

تاریخ‌نگاری پزشکی مسلمانان: بررسی مطالعات و تحقیقات^۱

بهزاد کریمی^۲

استادیار دانشگاه آیت‌الله حائری، گروه ایران‌شناسی، میبد، ایران

چکیده

تاریخ پزشکی مسلمانان چه در غرب و چه در کشورهای مسلمان از زوایای مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. یک نگاه گذرا به دستاوردهای حاصل از این تحقیقات نشانگر آن است که رویکرد پژوهش‌گران در اغلب این پروژه‌ها و مدار یک نگاه سنتی و محدود به پزشکی و تعریفی است که صرفاً جنبه‌های تکنیکی و دانشی آن را در بر می‌گیرد. در سالیان اخیر نگاه‌های نو به عرصه تاریخ پزشکی در معنای عمومی آن راه یافته است که می‌خواهد به گونه‌ای دیگر به پزشکی بنگرد. این رهیافت‌های تازه قصد دارند برداشت‌ها و تلقی‌های اجتماعی از پزشکی را به عنوان پدیداری علمی-اجتماعی ارائه کنند و از دریچه پزشکی به جوامع گذشته بنگرند. کاربست این رویکرد در پژوهش‌های تاریخی مستلزم وجود یک منبع‌شناسی انتقادی است که هم‌زمان رویکردهای نوین در آن لحاظ شده باشد. نگارنده این نوشتار در پی آن است تا بخشی از این منبع‌شناسی را به عنوان یکی از لوازم پژوهش‌های نوین تاریخ پزشکی با تکیه بر رویکردهای جنسیتی ارائه نماید.

کلیدواژه‌ها: پزشکی مسلمانان، تاریخ‌نگاری، مطالعات جنسیتی، پزشکی ایرانی.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۸/۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۰/۱۶.

۲. رایانامه: bhzkarimi@gmail.com

مقدمه

پزشکی اسلامی که ما آن را در این نوشتار به اعتبار کنش‌گران آن «پزشکی مسلمانان» نامیده‌ایم، در دهه اخیر به عنوان یکی از عرصه‌های پژوهشی جدید مطرح نظر تاریخ‌پژوهان و نیز پزشکی‌پژوهان قرار گرفته است. به نظر می‌رسد وقت آن رسیده است تا افزون بر برداشت‌های دانشی صرف از داده‌های پزشکی قدیم، به سراغ رویکردهای نوین برویم. از جمله می‌توان به رویکردهایی چون تاریخ اجتماعی پزشکی اشارت داشت. در این رویکرد، پزشکی یک تجربه انسانی است که در بطن جامعه و فرهنگ قرار دارد؛ بنابراین پزشکی‌ای که در این‌جا از آن صحبت می‌شود یک عرصه معرفتی با کارکردهای اجتماعی است و نه صرفاً یک واقعیت جهان‌شمول. رشته پزشکی می‌تواند به مثابه یک واقعیت کلینیکی غیرتاریخی مورد بررسی قرار بگیرد، اما در این‌جا به عنوان یک برساخته اجتماعی و فرهنگی در نظر گرفته شده که مجموعه‌ای از افراد، شبکه‌های اجتماعی و گروه پزشکان را در واکنش به دو مقوله سلامت و بیماری در خود جای داده است. در واقع این اجتماع و فرهنگ است که تجربه پزشکی آدمی را معنا و مفهوم می‌بخشد و جنبه‌های مختلف آن را شکل می‌دهد. نگرش به بیماری، بیمار و حتی بیماری و سلامت بیش از آن که متعلق به بیمار و پزشک باشد پدیده‌هایی هستند که در لایه‌های مفاهیم، اعمال، تنظیمات و مناسبات اجتماعی و پزشکی قرار گرفته‌اند؛ بدین معنا سلامت و بیماری رخدادهایی اجتماعی به حساب می‌آیند و نه صرفاً یک تجربه شخصی. در این معنا پزشکی گفتمانی است که تحت تأثیر دیگر گفتمان‌های موجود در جامعه، از جمله گفتمان‌های فلسفی، دینی و سیاسی، کیهان‌شناسی، نجوم و باورها و عقاید مردمی یا عامیانه قرار دارد و نیز بر آن‌ها اثرگذار است.

با توجه به این رویکردهاست که می‌توان داده‌ها یا متون پزشکی قدیم را به مثابه یکی از منابع مطالعه تاریخ اجتماعی در کنار سایر منابع شناخته شده همانند متون تاریخ‌نگارانه یا اسناد و مدارک تاریخی به کار گرفت.

نگارنده این مقاله بر این باور است که هنوز با استفاده از این رویکردهای اجتماعی، پژوهش درخوری درباره پزشکی مسلمانان که پزشکی ایرانی نیز ذیل آن قرار می‌گیرد صورت نگرفته است. به نظر می‌رسد یکی از مشکلات و موانع بر سر راه این کار، نبود یک منبع‌شناسی دقیق متناسب با رویکردهای یاد شده باشد. عرصه منبع‌شناسی تاریخ پزشکی مسلمانان عرصه‌ای جدید در ایران به شمار می‌رود و ما دو اثر شاخص را می‌توانیم در این زمینه نام ببریم، یکی مجلد پنجم فهرستواره کتاب‌های فارسی است اثر استاد احمد منزوی و دیگری کتابنامه

تاریخ پزشکی/اسلامی اثر گروهی از نویسندگان که به هر دوی آن‌ها در متن اصلی مقاله اشاره خواهیم کرد. اثر اول تنها ناظر به نسخه‌های خطی فارسی است و اثر دوم هم‌چون جُنْگی است که بدون داشتن یک رهیافت نظری یا یک ساختار منظم، اطلاعات فراوانی را در یک جا گردآوری کرده است.

با توجه به خلأ منبع‌شناسی تاریخ‌نگاری پزشکی مسلمانان که در آن رویکردهای نوین جامعه‌شناسی پزشکی یا تاریخ اجتماعی پزشکی لحاظ شده باشد، این مقاله نگاشته شد. نگارنده علاوه بر پاسخ دادن به این کمبود پژوهشی، به دلیل ماهیت پروژه بزرگ‌تری که این مقاله از دل آن استخراج شده است، رویکردی جنسیتی را نیز در تنظیم این منبع‌شناسی مد نظر داشته است. این رویکرد نوین می‌تواند پژوهش‌گران را در انجام پژوهش‌های جنسی و جنسیتی که زمینه کاملاً آماده‌ای در گونه‌های مختلف پزشکی مسلمانان دارد، یاری دهد.

بر همین اساس این نوشتار در دو بخش اصلی ارائه می‌شود. اولین بخش را پژوهش‌های عمومی نامیده‌ام. در این بخش رهیافت‌های قدیم و جدید به پژوهش تاریخ پزشکی مسلمانان بررسی و سپس منابع متناسب با رویکردهای نظری نوین که در بالا به آن پرداختیم به دست داده شده است. بخش دوم که مطالعات پزشکی-جنسیتی نام دارد، متضمن بررسی منابعی است که تاریخ پزشکی مسلمانان را با رهیافتی جنسیتی بررسی‌دهنده و خود پاسخی است به دغدغه ثانویه نگارنده این مقاله و هم‌چنین پژوهش‌گران تاریخ اجتماعی پزشکی مسلمانان از جمله پزشکی ایران.

۱. پژوهش‌های عمومی

تاریخ پزشکی به صورت عمومی برای مدتی طولانی پزشکان و نگرش آن‌ها به پزشکی و مقوله‌های سلامت و بیماری و نوآوری‌ها و دستاوردهای فکری و مادی آن‌ها را در کانون توجه خود قرار داده بود. این گونه از تاریخ پزشکی که می‌توان آن را «نگاه از درون» نامید اغلب توسط پزشکان و دست‌اندرکاران حوزه پزشکی نگارش می‌شد.^۱

۱. برای نمونه می‌توان به دو چهره شاخص تحقیقات پزشکی در ایران و آثار آن‌ها اشاره کرد: محمود نجم‌آبادی و مهدی محقق. نجم‌آبادی خود پزشک بود و کارهای او را می‌توان نمونه نگاه از درون به تاریخ پزشکی دانست. محقق نیز به رغم آن که تحصیلات دانشگاهی‌اش در دو حوزه ادبیات و فلسفه است، اما نگاهش به تاریخ پزشکی همانند امثال نجم‌آبادی است. نمونه‌ای از آثار این دو این‌هایند: مهدی محقق، مجموعه متون و مقالات در تاریخ و

در واقع این تاریخ پزشکی یک تاریخ پزشکی درون‌گرایانه و فکری بود که ماجرای زندگی نوابغ پزشکی را دست‌مایه پژوهش‌های خود قرار داده بود که البته این جریان فکری هنوز هم‌چنان در کشور ما پی‌گیری می‌شود و تا آن‌جا که نویسنده آگاهی دارد چندین پروژه بزرگ پزشکی‌محور از سوی نهادها و مؤسسه‌های علمی و پژوهشی در حال تألیف و تدوین است. اولین نشانه‌های تغییر در این روند از زمان انتشار آثار جرج روزن^۱ (۱۹۱۰-۱۹۷۷م)، مورخ آمریکایی دیده می‌شود که در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰م تداوم یافت.^۲ نسل جدید مورخان تاریخ پزشکی این بار با رویکردهایی نو وارد عرصه پژوهش شدند. در واقع می‌توان تاریخ پزشکی دستاورد این گروه را «نگاه از بیرون» نامید که روش‌شناسی آن اغلب وامدار روش‌شناسی علوم اجتماعی است. نتیجه تلاش این نسل جدید تأسیس یک میان‌رشته جدید است که پزشکی را ذیل علوم اجتماعی طبقه‌بندی می‌کند. «تاریخ اجتماعی پزشکی» اغلب به جامعه‌شناسی حرفه پزشکی، فرهنگ عامیانه و سلامت عمومی می‌پردازد. دو هدف اصلی این میان‌رشته را نیز می‌توان توصیف کنش‌گران پزشکی از پزشکان آکادمیک گرفته تا شفا دهندگان عامیانه دانست که با استفاده از روش‌های جادویی دست به درمان بیمار می‌زدند و بررسی و مطالعه تجربه بیماری و شیوه‌های درمان آن در یک بافت وسیع اجتماعی ممکن می‌گردد.

یکی از دستاوردهای میان‌رشته جدید این است که بیمار در نقطه کانونی پژوهش قرار می‌گیرد. روی پورتر^۳ (۱۹۴۶-۲۰۰۲م)، یکی از پژوهش‌گران برجسته بریتانیایی تاریخ پزشکی در یک مقاله درخشان رویکرد پزشکی‌محور را یکی از عوامل تحریف تاریخ پزشکی ارزیابی کرده است. او در این مقاله از پژوهش‌گران این حوزه خواسته است تا به جای بررسی دستاورد پزشکان به دنبال فهم نگرش توده مردم از دو مقوله سلامت و بیماری و چگونگی مواجهه آن‌ها با پزشکان باشند. او تاریخ پزشکی ناشی از این رویکرد را تاریخ پزشکی «از پایین» می‌خواند.^۴

اخلاقی پزشکی در اسلام و ایران؛ محمود نجم‌آبادی، تاریخ طب ایران؛ محمود نجم‌آبادی، تاریخ طب در ایران پس از اسلام (از ظهور اسلام تا دوران مغول).

1. George Rosen

۲. دو اثر مهم روزن که در واقع مسیر تحقیقات تاریخ پزشکی را تغییر داد این‌ها بودند:

George Rosen, *A History of Public Health*, New York, MD Publications, 1958;
George Rosen, *Madness in Society: Chapters in the Historical Sociology of Mental Illness*, Chicago, University of Chicago Press, 1968.

3. Roy Porter

4. Roy Porter, "The Patient's View: Doing Medical History from Below" *Theory and Society*, 14 (1985), pp. 175-198.

در حالی که این قبیل نگرش‌های نو به تاریخ پزشکی رو به رشد گذاشته بود، رویکرد نوین دیگری به پزشکی ظهور کرد که بیمار را در کانون توجه خویش قرار داد، اما این بار برای برجسته کردن چیزی که اعمال قدرت گفتمان پزشکی بر بدن بیمار خوانده می‌شد. تاریخ پزشکی جدید - البته اگر به‌توان نام تاریخ بر آن نهاد- که با نام فوکو، مبدع آن گره خورده است، تاریخ ذهنیت یا اصطلاحاً تاریخ منتالیت^۱ نامیده می‌شود که در واقع با تمرکز بر بدن بیمار در مرزهای تاریخ- در این‌جا: تاریخ پزشکی و روان‌شناسی- و علوم اجتماعی حرکت می‌کند. هدف اصلی این نوع از تاریخ که واضع اصلی آن را می‌توان آنالی‌ها در فرانسه دانست، رمزگشایی از شرایط امکان تولید گفتمان پزشکی است و در آن بیشتر بر بازنمایی‌ها تأکید می‌شود تا بر داده‌شناسی یا داده‌کاوی تاریخی آن‌طور که در پژوهش‌های کلاسیک تاریخی رایج است.^۲ فوکو بر این باور است که در هر دوره تاریخی صرفاً یک رژیم گفتمانی وجود داشته است که در اپیستم^۳ یا نظام دانایی به گونه‌ای تعادل می‌رسند و گفتمان‌های مختلف هر دوران بازتاب‌دهنده اپیستمه حاکم است و از این جهت می‌توان اپیستمه را گونه‌ای از پارادایم کوهنی^۴ دانست. این ایده فوکو در تقابل با اغلب رویکردهای گفتمانی قرار می‌گیرد که معتقدند در هر دوره گفتمان‌های مختلف در کنار یکدیگر و یا در رقابت با هم برای کسب حق تعریف حقیقت قرار دارند.^۵

1. mentalités history

2. Patrick H. Hutton, "The History of Mentalities: The New Map of Cultural History", *History and Theory*, 20 (1981), pp. 237-59; Fedwa Malti-Douglas, "Mentalités and Marginality: Blindness and Mamlûk Civilization", in C. E. Bosworth et al. (eds) *The Islamic World from Classical to Modern Times: Essays in Honor of Bernard Lewis*, NJ: Princeton, Darwin Press, pp. 211-237.

3. episteme

4. paradigm

برابرنهاده پیشنهادی مرحوم استاد احمد آرام برای واژه پارادایم «سرمشق» است که البته نارساست. این برابرنهاده و نیز پیشنهادهای دیگر از جمله «الگوواره» هیچ‌گاه جایگزین پارادایم نشدند. پارادایم از نگاه کوهن شامل اصول و قواعد پذیرفته شده علمی-فلسفی از سوی بیشینه عالمان در هر دوره زمانی است (نک: تامس کوهن، *ساختار/تغییرات علمی*، ترجمه احمد آرام، تهران، سروش، ۱۳۶۹).

۵. فوکو در نگاه به تاریخ، روند تکامل یا پیشرفت را نوعی حرکت از جوامع پست به جوامع پیشرفته عصر حاضر که بر پایه دانشی عمیق استوار شده باشد تلقی نمی‌کند، بلکه تاریخ را به مثابه نوسان از یک نظام سلطه (مبتنی بر دانش خاص خود) به دیگر نظام‌های سلطه (با دانش خاص خود) می‌داند (پُستر، ۴۵۰؛ هم‌چنین نک: یورگنسن و فیلیپس، ۳۶). بر اساس همین اندیشه گسست است که فوکو به مفهوم آرشیو یا بایگانی می‌رسد و آن را بسط

هر دوره تاریخی از نگاه فوکو مبدأ و مقصدی دارد که هر یک از آن‌ها با یک واقعه شناخته می‌شود، مثلا در همین زمینه گفتمان پزشکی، او معتقد است که با تأسیس درمانگاه‌های مدرن از ۱۷۶۰م به این سو یک گفتمان پزشکی مدرن آغاز شد که بر پایه آن گفتمان پزشکی معاصر بنا گردید. اصولا کار فوکو یک کار نظری است که پایه‌های داده‌ای آن وقایع تاریخ اروپا به‌ویژه تاریخ فرانسه سده‌های هفدهم، هجدهم و نوزدهم میلادی است و نگارنده بر این باور است که این استفاده فوکو از وقایع تاریخ اروپا نمی‌تواند مانع تعمیم رویکرد او در باب تاریخ سرزمین‌های غیراروپایی گردد، اما در این راه باید با احتیاط فراوان حرکت کرد و از تعمیم‌های چشم بسته و ناروا برحذر بود. خلاقیت‌های فوکو، تعمیق‌های او در باب پزشکی و جنسیت و غور شگرف او در باب جزئیات این امور را نمی‌توان با برچسب اروپایی بودن کنار گذاشت و به سادگی از آن عبور کرد.

با وجود همه این‌ها، جای خالی پژوهش‌های تاریخ پزشکی ایران یا رویکردهای نوینی که به آن‌ها اشاره شد حتی در میان پژوهش‌های غربی احساس می‌شود. بسیاری از مورخان تاریخ پزشکی بدون توجه به پزشکی اسلامی، یا به عبارت بهتر و درست پزشکی مسلمانان، صرفا روایت‌هایی اروپامحور از این حوزه از تاریخ ارائه داده‌اند. نمونه‌ای از این مدعا می‌توان در اثر ریس^۱ (۱۹۳۲م)، مورخ آمریکایی یافت که البته اثر درخشانی است، اما تاریخ بیمارستان‌ها را از عهد باستان تا دوره معاصر با تکیه بر سرزمین‌های مسیحی و آنگلوساکسون بررسی کرده است و در انتهای کار به ایالات متحده آمریکا می‌پردازد.^۲

این رویکرد را می‌توان در یک گستره وسیع‌تر به تاریخ علوم غربی نیز تعمیم داد. جالب آن که این حوزه شدیداً تحت تأثیر اثر تامس اس. کوهن^۳ (۱۹۲۲-۱۹۹۶م)، مورخ و فیلسوف علم آمریکایی است که تلاش کرده پارادایم‌های علمی را در بافت‌های فرهنگی‌شان مورد مطالعه قرار دهد. به نظر می‌رسد در بررسی تاریخ پزشکی عمومی یا جهانی که اغلب از سوی مورخان غربی نوشته شده، الگوی غرب‌محور غالب است و در این مطالعات تقریباً اثری از تحولات پزشکی مسلمانان و به طور کلی پزشکی شرقی نمی‌یابیم.

می‌دهد (برای تفصیل این موضوع نک: خالقی، ۲۶۴-۲۶۵. برای ایضاح مفهوم گسست از سوی خود فوکو نک: فوکو، بخش در آمد، جاهای متعدد).

1. Guenter Risse

2. Guenter B. Risse, *Mending Bodies, Saving Souls*, New York, Oxford University Press, 1999.

3. Thomas Samuel Kuhn

جالب است که ابعاد اجتماعی و فرهنگی کنش پزشکی در جوامع مسلمان به صورتی مشابه مورد توجه پژوهش‌گران مسلمان - در این جا ایرانی‌ها - قرار نگرفته است. در پژوهش‌های تقریباً فراوان صورت گرفته در باب تاریخ پزشکی ایران رویکرد بیمارمحور یا چگونگی مواجهه متقابل بیمار/پزشک اصولاً موضوع اصلی نبوده است. در مجموع می‌توان گفت با وجود آن که رشته تاریخ اجتماعی پزشکی در غرب به رشته‌ای شناخته شده تبدیل و با توجه روزافزون پژوهش‌گران مواجه شده، در کشورهای مسلمان، به‌ویژه در ایران، مورد اقبال قرار نگرفته است. چنان که قبلاً اشاره شد تاریخ پزشکی در ایران اغلب بر پزشکان و ابداعات آن‌ها متمرکز شده است؛ هم‌چنان که سویج - اسمیت،^۱ پژوهش‌گر نامی بریتانیایی تاریخ پزشکی مسلمانان در یک مقاله درخشان عنوان کرده است، مسائل تاریخ پزشکی مسلمانان در دوره میانه به تحولات علم پزشکی، پذیرش دیگر سنت‌های پزشکی از سوی پزشکی مسلمانان و انتقال یا گردش اندیشه پزشکی در دنیای اسلام محدود بوده است. در واقع می‌توان گفت که این رویکرد، یک رویکرد سنتی صرفاً متن‌محور است.^۲

بیش از سی سال از نگارش اثر مانفرد اولمان^۳ (ت. ۱۹۳۱م)، مورخ و عرب‌پژوه آلمانی در باب پزشکی مسلمانان که برای مدت طولانی، پژوهش در تاریخ پزشکی مسلمانان در دوره میانه

1. Emilie Savage-Smith

2. Savage-Smith, "Gleanings from", p.247.

3. Manfred Ullmann

مانفرد اولمان، خاورشناس آلمانی در علوم پزشکی و معرف زبان عربی به جامعه اروپا در سده بیستم میلادی. وی در اواخر سده نوزدهم میلادی در دانشگاه جان هاپکینز آمریکا علم شیمی را فراگرفت و برای تدریس در این رشته آماده شد. شایان ذکر است، وی را دانشمندی برجسته در زبان‌شناسی عربی باستان، و کتاب طب اسلامی او را، خدمتی بزرگ به علم پزشکی دانسته‌اند او در ۱۹۶۶م، شعر رجز در زبان شفاهی عربی و در ۱۹۷۲م، ویژگی ژرف دانش در اسلام را نوشت و در ۱۹۷۶م، معرفی دست‌نویس‌های کیمیا در کتابخانه چستربیتی را تدوین کرد. اولمان در ۱۹۷۸م، گردآوری نسخه‌های خطی فرهنگستان مونیخ را آغاز و در سال ۱۹۹۴م، کتاب هیرمس حکیم را معرفی کرد، سپس در ۱۹۹۵م، وابستگی اشعار عربی سده‌های میانه را نوشت و در ۱۹۹۶م، فرهنگ لغت عربی - آلمانی منتشر شده در ویسبادن، و فرهنگ عربی - یونانی که گرهارد اندرس (د. ۱۹۳۹م) آن را تنظیم کرده بود، بررسی نمود. آخرین کار اولمان، تنظیم فرهنگی بود که مترجمان سده نوزدهم میلادی از آن برای ترجمه متون پزشکی، فلسفی و علمی یونان به زبان عربی استفاده می‌کردند. منابع مورد استفاده این معرفی این‌ها است:

W. F. Bynum and Roy Porter (eds) *Companion Encyclopedia of History of the Medicine*, London Routledge, 1996; Pormann, "Worterbuch zu", pp.105-107.

را تحت تأثیر خود قرار داده است، می‌گذرد.^۱ اولمان در این کتاب صرفاً یکی از انواع پزشکی مسلمانان را بررسی کرده و چنین وانموده است که این گونه پزشکی تنها سنت پزشکی در جوامع مسلمان بوده است. پزشکی از نگاه اولمان بیشتر یک فعالیت فکری است تا یک پدیده اجتماعی قرار گرفته در یک فرهنگ خاص. جالب است که اولمان در این کتاب، پزشکی مسلمانان را پزشکی عربی معرفی می‌کند؛ زیرا اغلب منابع آن به زبان عربی نوشته شده بوده! او با دقت و حوصله فراوان نسخه‌های پزشکی عربی را بررسی و مطالعه کرده است که این قضیه را البته می‌توان به گرایش و زمینه آکادمیک او به فقه‌اللغة عربی مربوط دانست. دو همتای دیگر او در همین زمینه ماکس مایرهوف^۲ (۱۸۷۴-۱۹۴۵م)، مورخ آلمانی و ژوزف شاخت^۳ (۱۹۰۲-۱۹۶۹م)، استاد بریتانیایی-آلمانی مطالعات اسلام و عرب در دانشگاه کلمبیا هستند که همانند او به بررسی متون عربی علاقه‌مند بودند و از قضا در فقه‌اللغة عربی دستی داشتند.^۴

آن‌چنان که از بررسی آثار اولمان فهمیده می‌شود او سخت تحت تأثیر اندیشه «انحطاط» قرار داشته است. مطابق این اندیشه، بعد از دوران طلایی خلافت عباسی، جریان انحطاط در جهان اسلام آغاز شد که در نهایت به فروپاشی اقتدار آن در حوزه‌های مختلف از جمله پزشکی انجامید. شاید باورداشت او به همین اندیشه و نیز گرایش به زبان عربی که به آن اشاره گردید، موجب شده تا او در آثارش به پزشکی ایران نپردازد. به عقیده اولمان بعد از دوران

1. Manfred Ullmann, *Die Medizin Im Islam*, Leiden/Koln, E.J. Brill, 1970. (Manfred Ullmann, *Islamic Medicine*, translated to English by Jean Watt, Edinburgh, Edinburgh University Press, 1978).

این کتاب ارزشمند هم اکنون در حال ترجمه است و به زودی در اختیار علاقه‌مندان فارسی‌زبان قرار خواهد گرفت.

2. Max Meyerhof

3. Joseph Schacht

۴. از میان آثار این دو نفر می‌توان به این‌ها اشاره کرد:

Max Meyerhof, *The Book of the Ten Treatises on the Eye Ascribed to Hunain ibn Is-haq (809-877 A.D.)*, Cairo, Govt. Press, 1928; Max Meyerhof, *Sarh Asma' al-Uqqar (Explication des nom de drogues): Un glossaire de matière medicale*, (explanation on names of drugs: A glossary of medical terms) Impr. Le Caire, de l'Institut francais d'archeologie orientale, 1940; Joseph Schacht and Max Meyerhof, *The Medico-Philosophical Controversy between Ibn Butlan of Baghdad and Ibn Ridwan of Cairo: A Contribution to the History of Greek Learning among the Arabs* Cairo, [n.p.], 1937; Max Meyerhof and Joseph Schacht, *The Theologus Autodidactus of Ibn al-Nafis*, Oxford, Clarendon Press, 1968.

طلایی اسلامی (عربی) در سده هفتم هـ/سیزدهم میلادی، هیچ نوآوری در پزشکی مسلمانان تا سده نوزدهم میلادی یعنی تا آغاز فرایند نوسازی پزشکی به سبک غربی صورت نگرفت.^۱ در حوزه تاریخ پزشکی ایران به صورت خاص می‌توان از سیریل لوید الگود^۲ یاد کرد، او اگرچه بر خلاف جریان آکادمیک تاریخ پزشکی غربی به ایران توجه خاص نشان داد و از نسخه‌های پزشکی فارسی استفاده کرد، اما خطوط کلی آثارش تداعی‌کننده آثار اولمان و دیگر هم‌تایان اوست. الگود همانند اولمان روش‌شناسی متن‌محور داشت و پزشکی از نگاه او صرفاً به سنت‌های علمی مکتوب اطلاق می‌شد. در مجموع می‌توان گفت، الگود هم در سلک نسل قدیمی مورخان تاریخ پزشکی قرار می‌گیرد که از آن‌ها نام برده شد.^۳

۱. یکی از آثار کلاسیک در همین زمینه، که بازتاب‌دهنده آرای اولمان می‌باشد از آن ادوارد براون است که در واقع مجموعه مکتوب شانزده سخنرانی او در دانشگاه کمبریج است در فاصله سال‌های ۱۹۱۹ تا ۱۹۲۱م (ادوارد براون، طب اسلامی).

2. Cyril Lloyd Elgood

۳. الگود، در ۱۸۹۳م در نورث‌وود انگلستان متولد شد. وی پس از ورود به دانشگاه آکسفورد داوطلب خدمت در ارتش بریتانیا شد. در ۱۹۱۴م به هندوستان اعزام و در ۱۹۱۹م مجروح شد. پس از بازگشت به انگلستان و اتمام تحصیل در بیمارستان سن بارتولومه لندن، موفق به اخذ مدرک پزشکی گردید. الگود به فرهنگ شرق علاقه زیادی داشت و در ۱۹۲۵م، به عنوان پزشک سفارت انگلیس به ایران آمد و طی اقامت شش ساله خود، علاوه بر طبابت، به تحقیق درباره تاریخ طب در ایران پرداخت. الگود که فارسی را به خوبی می‌دانست و با زبان عربی نیز آشنایی داشت، به توصیه ادوارد براون و با هم‌فکری دانشمندان ایرانی، از بدو ورود به ایران، بررسی و پژوهش در تاریخ پزشکی اسلام و ایران را آغاز کرد. او یک بار دیگر بعد از ۱۹۳۸م، برای تکمیل مطالعات خود، به ایران و برخی کشورهای منطقه سفر کرد. الگود در مذاکرات واکذاری ایستگاه‌های قرنطینه در سواحل جنوب شرکت داشت و به عنوان پزشک شاه منصوب شد. آن‌چه وی پس از خروج از انگلستان و طی سال‌های اقامت در مشرق آموخت بسیار گسترده‌تر و اثرگذارتر از آن چیزهایی بود که در دوران تحصیل در لندن و آکسفورد فرا گرفت. وی از ۱۹۳۲م تا ۱۹۵۳م، به ترتیب در ویرهام، فلورانس، لندن، سوئدان، عربستان و قطر به طبابت مشغول بود. الگود، علاوه بر ادوارد براون که وی را بزرگ‌ترین مشوق خود معرفی کرده، از ماکس مایهوف نیز نام برده است. الگود، افزون بر پزشک، کارگزار کمپانی هند شرقی نیز بود. الگود در سال ۱۳۰۸ به بنگاه پاستور رفت و آمد داشت و آزمایش‌هایی در آن‌جا انجام داد که ناشی از همکاری صمیمانه وی با رئیس وقت این بنگاه، دکتر ابوالقاسم بدر و دکتر کراندل، رئیس بعدی آن و نیز دیگر اولیای مؤسسه بود. از آن پس، تا پایان عمر، رئیس پاره‌وقت خدمات پزشکی در جزیره سیشل بود. وی در ۱۹۷۰/۱۳۴۹م در جزیره سیشل، واقع در اقیانوس هند درگذشت. دو اثر عمده او این‌ها است: تاریخ پزشکی ایران، از دوره باستان تا سال ۱۹۳۴م. طب در دوره صفویه. تاریخ پزشکی ایران و سرزمین‌های خلافت شرقی؛ او هم‌چنین مقاله‌های متعددی در حوزه تاریخ پزشکی ایران دارد. منابع مورد استفاده برای این معرفی مختصر به جز آثار خود او که به آن‌ها اشاره شد این‌ها است: محمدتقی سردی، پژوهشی در تاریخ پزشکی

از سی سال پیش در حوزه وسیع‌تر مطالعات تاریخ جوامع مسلمان شاهد رویکردی جدید به حرفه پزشکی، بیمارستان‌ها، همه‌گیری‌ها از جمله طاعون و نوسازی پزشکی به سبک غربی هستیم. شاید بتوان گفت جرقه نگارش این قبیل از آثار توسط فرانتز روزنتال،^۱ عرب‌پژوه شهیر زده شد. روزنتال پیش از این درباره مفهوم دانش در جوامع عرب مسلمان دوره میانه تحقیقاتی کرده بود، اما پژوهش‌های متأخر او شامل مطالعه قمار، حشیش و دیگر مواد دُخانی و حرفه پزشکی می‌شد. ما در این آثار نیز با همان تلقی کلیشه‌ای از پزشکی به مثابه یک رشته علمی مواجه هستیم.^۲

اما کوشش‌ها برای نگارش تاریخ پزشکی مسلمانان در دوره میانه بر اساس رویکردهای متفاوت و جدید به آثار روزنتال محدود نمی‌شود. هم‌زمان در سی سال اخیر موج جدید پژوهش‌ها در این حوزه آغاز شده است که تا کنون ادامه دارد. این پژوهش‌ها اغلب متأثر از نگرش‌های نوین به تاریخ پزشکی‌اند. به نظر می‌رسد با تألیفات جدید باید امیدوار بود تا چند سال دیگر مجموعه‌ای درخشان از آثار علمی در حوزه تاریخ پزشکی مسلمانان در دسترس پژوهش‌گران و علاقه‌مندان قرار بگیرد، اما هم‌چنان راهی طولانی در مقابل دیدگان قرار دارد. متأسفانه حتی در این آثار نیز نشانه‌ای در خور ذکر از استفاده جدی از نسخه‌های خطی پزشکی فارسی دیده نمی‌شود و هم‌چنان تمرکز این آثار بر نسخه‌های عربی است. نمونه‌های اعلامی این مؤلفان پرکار را باید مایکل دالس^۳ دانست. او چندین اثر مهم و درخشان درباره طاعون، جذام، بیمارستان‌ها و جنون در تاریخ میانه اسلامی تألیف کرده است. او ابعاد اجتماعی و فرهنگی این مسائل را فارغ از واقعیت‌های پزشکی مورد بررسی قرار داد.^۴ از جمله دیگر مؤلفان

و درمان جهان از آغاز تا عصر حاضر، ناشر؛ محمود نجم‌آبادی، تاریخ طب ایران؛ همو، تاریخ طب در ایران پس از اسلام، از ظهور اسلام تا دوران مغول؛ احمد هاشمیان، تحولات فرهنگی ایران در دوره قاجار و مدرسه دارالفنون.

Elr s.v. "Elgood, Syrril Loyd", by F. R. C. Bagley.

1. Franz Rosenthal

۲. برای نمونه می‌توان به این دو اثر روزنتال اشاره کرد:

Franz Rosenthal, "The Physician in Medieval Muslim Society", *Bulletin of the History of Medicine*, 52 (1978), pp. 476–91; Franz Rosenthal, *The Herb: Hashish versus Medieval Muslim Society*, Leiden, Brill, 1971.

3. Michael W. Dols

4. Michael W. Dols, "The Plague in Early Islamic History", *Journal of the Economic and Social History of the Orient*, 94 (1974), pp. 376–83; Michael W. Dols, *The Black Death in the Middle East*, Princeton, Princeton University Press, 1977; Michael W. Dols, "The Second Plague Pandemic and Its Recurrences in the

سخت‌کوش در همین زمینه لارنس آی. کنراد^۱ است که بعد از مرگ دالس با تمرکز بر مسأله طاعون و البته دیگر موضوعات مربوط به تاریخ پزشکی توانست آثار درخور توجهی ارائه کند.^۲ در چهل سال گذشته در ایران، حوزه تاریخ پزشکی همان‌طور که قبلاً اشاره‌ای کوتاه به آن شد تحت سلطه آثار نسل قدیمی پژوهش‌گران غربی تاریخ پزشکی قرار داشته است. از جمله می‌توان به اثر محمدتقی میر اشاره کرد که خود جراح و پزشک بود.^۳ در غالب این آثار تاریخ پزشکی به مثابه تاریخ نوابغ، موفقیت‌ها، ابداعات و در یک کلمه پیشرفت علمی نگاشته شده است. تاریخ در این آثار به گونه‌ای نوشته شده است که گویی خواسته شده از طریق آن

Middle East: 1347–1894”, *Journal of the Economic and Social History of the Orient*, 22 (1979), pp. 162–89; Michael W. Dols, “Leprosy in Medieval Arabic Medicine”, *Journal of History of Medicine and Allied Sciences*, 34 (1979), pp. 314–33; Michael W. Dols, “The Leper in Medieval Islamic Society”, *Speculum*, 58 (1983), pp. 891–916; Michael W. Dols, “Insanity in Byzantine and Islamic Medicine”, *Symposium on Byzantine Medicine, Dumbarton Oaks Papers*, 38 (1984), pp. 136–48; Michael W. Dols, “The Origins of the Islamic Hospital: Myth and Reality”, *Bulletin of the History of Medicine*, 61 (1987), pp. 367–90; Michael W. Dols, “Insanity and its Treatment in Islamic Society”, *Medical History*, 31 (1987), pp. 1–14; Michael W. Dols, *Majnun: The Madman in Medieval Islamic Society*, Oxford, Clarendon Press, 1992.

از میان آثار دالس که در بالا به آن اشاره شده است، کتاب مفصل و درخشان مرگ سیاه در خاورمیانه توسط دوست ارزشمندم، افشین شهرامی ترجمه شده است و به زودی از سوی انتشارات امیرکبیر در اختیار علاقه‌مندان قرار خواهد گرفت.

1. Lawrence I. Conrad

۲. برخی آثار قابل توجه کنراد در باب طاعون و وبا این‌ها است:

Lawrence I. Conrad, “Arabic Plague Chronologies and Treatises: Social and Historical Factors in the Formation of a Literary Genre”, *Studia Islamica*, 54 (1981), pp. 51–93; Lawrence I. Conrad, “Tāun and Wabā: Conceptions of Plague and Pestilence in Early Islam”, *Journal of the Economic and Social History of the Orient*, 25 (1982), pp. 268–307; Lawrence I. Conrad, “Epidemic Disease in Formal and Popular Thought in Early Islamic Society”, in Terence Ranger and Paul Slack (eds) *Epidemics and Ideas: Essays on the Historical Perception of Pestilence*, Cambridge, Cambridge University Press, 1992, pp. 77–99; Lawrence I. Conrad, “A Ninth-Century Muslim Scholar’s Discussion of Contagion”, in Lawrence I. Conrad and Dominik Wujastyk (eds) *Contagion: Perspectives from Pre-Modern Societies*, Ashgate, UK: 2000, pp. 163–77.

۳. محمدتقی میر، *پزشکان نامی پارس، شیراز، انتشارات دانشگاه پهلوی*، بی‌تا (برای آشنایی با زندگی دکتر میر نک: عزیز، ۲۱۹/۱-۲۲۴).

کمال‌گرایی و حس ملی‌گرایی تقویت شود. در این میان خبری از آثار واجد رویکردهای جدید به پزشکی نیست.

بیش از چهل سال بعد از انتشار آخرین اثر الگود که در پزشکی صفویه است و حدود سی سال بعد از چاپ اثر معیار اولمان، یک تک‌نگاری در باب پزشکی مسلمانان در دوره میانه منتشر شده است.^۱ همان‌طور که پُرمَن^۲ و سویج-اسمیت، مؤلفان این اثر اشاره کرده‌اند، تلاش شده است تا در این کتاب، سنت‌های پزشکی در جوامع مسلمان دوره میانه بررسی گردد. آن‌ها اصولاً به پزشکی ایران نپرداخته‌اند، اما در فصلی از کتاب با نام «زندگی بعد از مرگ» روندها و گرایش‌های مختلف پزشکی مسلمانان را از جمله در ایران و هند از دوره پیشامدرن تا امروز مورد بحث قرار داده‌اند.^۳

شاید جالب باشد بدانیم که بررسی تاریخ پزشکی ایران در دوره معاصر و موضوع نوسازی در سده نوزدهم میلادی بیش از سایر مقاطع تاریخی در کانون توجه پژوهش‌گرانی قرار گرفته است که به نظریه‌های نوین تاریخ اجتماعی پزشکی نظر داشته‌اند و تا آن‌جا که نگارنده آگاهی دارد سه کتاب، چندین پایان‌نامه و رساله کارشناسی ارشد و دکتری و شمار تقریباً قابل ملاحظه‌ای مقاله به زبان‌های فارسی و غیرفارسی، پزشکی معاصر ایران را دست‌مایه پژوهش خود قرار داده‌اند.

ویلم فلور، پژوهش‌گر پُرکارِ تاریخ ایران در سال ۲۰۰۴م مانند همیشه اثری مشحون از داده‌های تاریخی با محوریت بهداشت و پزشکی در عصر قاجار ارائه کرده است. اثر فلور اگر چه واجد داده‌های ارزشمندی است، اما در برخی مواضع دچار لغزش شده و بیشتر اثری است توصیفی تا تحلیلی. او در این کتاب تلاش کرده است تا نگرشی جدید به پزشکی داشته باشد. اما در مجموع می‌توان گفت اثر او تلفیقی است از نگرش نسل قدیمی مورخان تاریخ پزشکی و رویکردهای نوین به پزشکی آن‌چنان که می‌توانیم تاریخ پزشکی «از پایین» را در فصل‌های «شفادهندگان روحانی»، «پزشکان جالینوسی-اسلامی» و «شفادهندگان سنتی» مشاهده کنیم.^۴

1. Peter E. Pormann and Emilie Savage-Smith, *Medieval Islamic Medicine*, Edinburgh, Edinburgh University Press, 2007.

2. Peter E. Pormann

3. Pormann and Savage-Smith, 162-182.

۴. ویلم فلور، سلامت مردم در ایران قاجار، ترجمه ایرج نبی پور، بوشهر، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی-درمانی بوشهر، ۱۳۸۶ش.

هرمز ابراهیم‌نژاد، دانش‌آموخته تاریخ پزشکی در مهم‌ترین و بزرگ‌ترین مرکز تحقیقات تاریخ پزشکی جهان، ولکام تراست،^۱ پژوهشی را به سرانجام رساند، که موضوع اصلی آن دوره گذار از پزشکی کلاسیک به پزشکی مدرن در دوره قاجار است. شاید به‌توان گفت این برای نخستین بار است که یک پژوهش‌گر از نسل جدید مورخان تاریخ پزشکی توانسته است با استفاده از نظریه‌های جدید یک پژوهش دقیق و درخشان را درباره تاریخ پزشکی ایران ارائه کند. مباحث مطرح شده از سوی ابراهیم‌نژاد به‌ویژه بخش مربوط به بررسی نهاد وقف و ارتباط آن با بیمارستان‌ها و حوزه پزشکی قابل توجه است.^۲

در ایالات متحده آمریکا که همواره مورخان آن میانه بهتری با تلفیق نظریه و روایت داشته‌اند، دو پژوهش‌گر ایرانی تبار در مقطع دکتری تاریخ، دو رساله در موضوع پزشکی در دوره معاصر ایران ارائه داده‌اند که با دیدگاه‌های نوین سامان یافته است. سیروس شایق در پژوهش خویش به‌ویژه بر نظریه‌های جدید از جمله فوکو تأکید کرده است.^۳ امیر ارسلان افخمی که خود پزشک است نیز با استفاده از روش‌های توصیفی-تحلیلی بر بیماری‌های همه‌گیر اواخر دوره قاجار متمرکز شده است.^۴ رویکرد افخمی و شایق به مقوله بهداشت دو رویکرد متفاوت است، اما وجه مشترک هر دو پژوهش را می‌توان مسأله ملی‌گرایی ارزیابی کرد. هم‌چنین

1. Welcome Trust

2. Hormoz Ebrahimnejad, *Medicine, Public Health, and the Qajar state: Patterns of Medical Modernization in Nineteenth-Century Iran*, London, Brill, 2004.

این کتاب به صورت مشترک توسط بهزاد کریمی و مهسا خلیلی ترجمه شده است و به زودی منتشر خواهد شد. هم‌چنین برای روایت دیگری از پیوند نهاد وقف و آموزش پزشکی ارائه شده از سوی ابراهیم‌نژاد، نک:

Hormoz Ebrahimnejad, "The Waqf, The State and Medical Education in Nineteenth-Century Iran", in Hormoz Ebrahimnejad (ed.) *The Development of Modern Medicine in Non-Western Countries*, London, Routledge, 2009, pp. 59-81.

3. Cyrus Schayegh, *Science, Medicine and Class in the Formation of Semi-Colonial Iran 1900s-1940*, Colombia University, 2004.

این رساله دو سال پیش با تجدیدنظر و تغییراتی به صورت کتاب با عنوان «توانا بود هر که دانا بود» و با این مشخصات منتشر شد:

Cyrus Schayegh, *Who Is Knowledgeable Is Strong: Science, Class, and the Formation of Modern Iranian Society, 1900-1950*, Berkeley, University of California Press, 2009.

۴. رساله دکتری منتشر نشده افخمی با این مشخصات قابل دسترسی است:

Amir Arsalan Afkhami, *Iran in the Age of Epidemics: Nationalism and Struggle for Public Health: 1886-1926*, Yale University, 2003.

مقاله‌های متعددی با محوریت پزشکی، بهداشت و سلامت عمومی در دوره معاصر ایران در نشریات علمی ایران و خارج از ایران منتشر شده‌اند که برخی از آن‌ها به‌ویژه در رابطه با مسأله جنسیت قابل توجه هستند.^۱

به نظر می‌رسد در دو سه سال اخیر، پزشکی و بهداشت در داخل ایران مورد اقبال دانشجویان به‌ویژه دانشجویان تاریخ قرار گرفته است. نگارش دو پایان‌نامه کارشناسی ارشد و حداقل یک رساله دکتری در سه سال اخیر مؤید این ادعاست، در حالی که قبل از این توجه چندانی به این دست از موضوعات نشان داده نمی‌شد.^۲

۲. مطالعات پزشکی - جنسیتی؛ رویکردی نوین

افزون بر مطالعات عمومی صورت گرفته در عرصه پزشکی مسلمانان که تا اندازه زیادی در بخش پیشین به آن اشاره شد، رویکردهای نوینی در ۲۰ سال گذشته در عرصه تحقیقات تاریخ پزشکی پدیدار شده که به نوبه خود حوزه مورد مطالعه ما را نیز متأثر ساخته است. یکی از جدی‌ترین این رهیافت‌ها متضمن توجه کانونی به عامل جنسیت است. در این رویکرد، پژوهش‌گر تاریخ اجتماعی پزشکی می‌کوشد تا از طریق داده‌های پزشکی، روزنه‌ای به مناسبات اجتماعی بگشاید که تا پیش از آن اغلب مغفول مانده بود. در غیاب داده‌های متقن درباره نگرش‌های جنسیتی در تاریخ ایران و جوامع مسلمان که شاید به‌توان آن را به سرشت تاریخ-نگاری رسمی، درباری و مردسالار این جوامع ربط داد، منابعی چون منابع پزشکی که نمودار

۱. در مقاله‌ای که قبلاً در ویژه‌نامه تاریخ پزشکی پیام بهارستان منتشر شده، به برخی از این مقاله‌ها اشاره شده است: بهزاد کریمی، «حفظ الصحة جدید، چند نکته درباب نوسازی نظام بهداشت و سلامت عمومی در عصر پهلوی اول (۱۳۲۰-۱۳۰۴ش)»، پیام بهارستان، دوره دوم، سال دوم، ویژه‌نامه تاریخ پزشکی، پاییز، ۱۳۸۹، صص ۶۸۱-۸۸۵.

۲. برای نمونه می‌توان به این دو پژوهش دانشگاهی اشاره کرد: رقیه قاسمی، بهداشت و بهداری در ایران ۱۳۲۰-۱۳۰۰ش، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۸ و آفرین توکلی، بهداشت و نوسازی در ایران ۱۳۳۳-۱۳۰۴ش، رساله دکتری، دانشگاه تهران، ۱۳۹۰. فرحناز سلطانی در یک مقاله مفصل شصت و شش پایان‌نامه دانشگاهی را در حوزه تاریخ پزشکی و علوم مرتبط با آن معرفی کرده است. اگرچه بیشتر پایان‌نامه‌های معرفی شده ارتباطی با تاریخ پزشکی ندارند، اما در مجموع مراجعه به این فهرست بلندبالا برای پژوهش‌گران تاریخ پزشکی به‌ویژه در دوره تاریخ معاصر ایران ضروری است. فرحناز سلطانی، «بررسی ۶۶ عنوان از پایان‌نامه‌های دانشگاهی ایران در زمینه تاریخ پزشکی و علوم وابسته»، پیام بهارستان، دوره دوم، سال دوم، ویژه‌نامه تاریخ پزشکی، پاییز، ۱۳۸۹، صص ۵۵۵-۵۹۰.

مناسبات اجتماعی زمانه خویشند، اهمیتی دوچندان می‌یابند. جدیدترین کار فلور در زمینه مطالعات جنسیتی در ایران را باید تازه‌ترین کوشش غربی‌ها برای بررسی حوزه‌ای ارزیابی کرد که مباحث آن ریشه در این رویکرد دارد. این پژوهش اخیر فلور در سال ۲۰۰۸م منتشر شد و کمتر از دو سال بعد در اروپا به فارسی ترجمه شد. این اشتیاق به ترجمه آثاری از این دست را باید به اشتیاق خوانندگان حریص ایرانی منتسب کرد که در فضای کنونی گویی در جستجوی آگاهی بیشتر از ممنوعه‌های زندگی شخصی اجداد خویشانند.^۱

جا دارد در این جا از تلاش‌های پراکنده برخی از افراد و مؤسسات یاد شود که در چند سال اخیر کوشش کردند با تدوین و تنظیم فهرست نسخه‌های خطی در حوزه علوم و به ویژه پزشکی، پژوهش‌گران این عرصه را یاری دهند. در سال ۱۳۷۹ در تداوم کوشش‌های بی‌بدیل استاد احمد منزوی و همکاران او در مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، جلد پنجم *فهرستواره کتاب‌های فارسی با موضوعات پزشکی، داروسازی، علوم طبیعی و کیمیا منتشر شد*. اثر استاد منزوی در واقع فهرست فهرست‌هاست که پژوهش‌گران را از سردرگمی برای یافتن فهرست مورد نظر می‌رهاند و هم‌چون بلد راهی است که دست پژوهش‌گران را گرفته به سرمنزل

۱ ویلم فلور، *تاریخ اجتماعی روابط سکسی در ایران*، ترجمه محسن مینوخرد، استکهلم، انتشارات فردوسی، ۲۰۱۰م. از دوست گرانقدر، مسعود عرفانیان که نسخه‌ای از کتاب را از سر لطف به نگارنده هدیه کرد سپاس‌گزاری می‌کنم. در سال‌های اخیر شاهد تلاش‌های مستمر و کم‌نظیر پژوهش‌گران جوان یهودی در حوزه تاریخ فرهنگی جوامع مسلمان بوده‌ایم. حاصل کوشش دو تن از اینان که دستاوردهایشان با مقاله حاضر مرتبط می‌باشد در قالب دو کتاب به زبان انگلیسی در سال‌های ۲۰۰۶م و ۲۰۰۹م منتشر شده است. این دو کتاب که در واقع حاصل پژوهش‌های آکادمیک مؤلفان آن است نشان می‌دهد که چگونه استفاده از دیدگاه‌های نوین در پژوهش‌های تاریخی خاورمیانه جدی گرفته شده است:

Dror Ze'evi, *Producing Desire*, Berkeley, University of California Press, 2006; Miri Shefer-Mossensohn, *Ottoman Medicine*, New York, State University of New York Press, 2009.

از استاد فرهیخته، دکتر بهرنگ صدیقی که توجه مرا به اثر زیوی جلب کرد سپاس‌گزارم. هم‌چنین برای یک کتاب‌شناسی مفصل به همه زبان‌ها که مقالات در حوزه پزشکی مسلمانان را نیز در برمی‌گیرد نک: محمدرضا شمس اردکانی، فرید قاسملو و دیگران، *کتابنامه تاریخ پزشکی اسلامی*، راه کمال با همکاری دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ۱۳۸۷. از دوست ارزشمند، فرید قاسملو بابت الطاف همیشگی در این جا به‌ویژه برای هدیه نسخه‌ای از اثر اخیر قدردانی می‌کنم.

مقصود می‌رساند.^۱ در سال ۱۳۸۷ به همت فرهنگستان علوم ایران، فرهنگستان علوم پزشکی ایران و دانشگاه علوم پزشکی تهران فهرستواره مشترک نسخه‌های خطی پزشکی و علوم وابسته در کتابخانه‌های ایران منتشر شد که در واقع فهرست‌واره پزشکی مستخرج از مجلد پنجم استاد منزوی است.^۲

جایگاه زنان مسلمان چه به عنوان ابژه و چه به‌عنوان سوژه در تحقیقات مربوط به تاریخ پزشکی میانه به‌ندرت مورد توجه قرار گرفته است. شاید اولین و جدی‌ترین اثر در این زمینه، دستاورد ارزشمند پاسبم مسلم است که راه‌گشای رویکرد زن‌محور در تاریخ پزشکی مسلمانان به شمار می‌رود، اما کم بودند کسانی که راه مسلم را پی‌گیری کنند و تداوم بخشند.^۳ بعد از گذشت بیست و هفت سال از انتشار کتاب مسلم صرفاً دو سه کتاب و چندین مقاله در این حوزه ارائه شده که نشان از عدم توجه کافی پژوهش‌گران به مسأله زنان در تاریخ پزشکی است. مارسیا اینهورن^۴، مردم‌شناس برجسته به همراه دیگر هم‌تایان خود از اواخر سده بیستم کوشید تا با محوریت مسأله بارداری و کنترل آن در جوامع مسلمان از جمله مصر نقش زنان را در

۱. احمد منزوی، فهرستواره کتاب‌های فارسی، جلد پنجم، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران، سلسله انتشارات کتابخانه، ۱۳۸۲. سپاس‌گزار استاد بزرگوار، احمد منزوی هستم که با هدیه نسخه‌ای از این کار سترگ، مرا مورد لطف قرارداد.

۲. محمدرضا شمس اردکانی و دیگران، فهرستواره مشترک نسخه‌های خطی پزشکی و علوم وابسته در کتابخانه‌های ایران، تهران، سبز آرنج با همکاری دانشگاه علوم پزشکی تهران، ۱۳۸۷. نسخه‌ای از این اثر را آقای فرید قاسملو، از تدوین‌گران آن به پاس دوستی هدیه کرد که سپاس‌گزارم. دیگر آثار در همین زمینه که قدیمی‌ترند این‌ها هستند: محمود نجم‌آبادی، فهرست کتاب‌های چاپی فارسی طبی و فنون وابسته به طب، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۲؛ اکرم ارجح و دیگران، کتاب‌شناسی نسخ خطی پزشکی ایران، تهران، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۱. البته اثر نجم‌آبادی کتاب‌های چاپ سنگی را هم در برمی‌گیرد. متأخرترین اثر در همین حوزه، فهرست‌واره کتاب‌های چاپ سنگی پزشکی ایران است که دوست هم‌راهم، علی اکبر وطن‌پرست از تدوین‌گران این اثر، نسخه‌ای از آن را به نگارنده هدیه کرد که بسیار قدردارم؛ هم‌چنین نک: محمد رضا شمس اردکانی، فرید قاسملو و علی اکبر وطن‌پرست، فهرست‌واره کتاب‌های چاپ سنگی پزشکی ایران، تهران، چوگان با همکاری دانشگاه علوم پزشکی تهران، ۱۳۹۰.

3. B. F. Musallam, *Sex and Society in Islam, Birth Control before the Nineteenth Century*, Cambridge, Cambridge University Press, 1983.

استاد اندیشمند، دکتر بهرنگ صدیقی از سر لطف، نسخه‌ای از کتاب مسلم را در اختیار گذاشت که در این‌جا مراتب قدردانی خود را تقدیم ایشان می‌کنم.

4. Marcia Inhorn

تاریخ پزشکی بررسی و مطالعه کند.^۱ در مجموع به نظر می‌رسد به جز کار جدی مسلم و برخی تلاش‌های پراکنده کار اساسی دیگری در حوزه تاریخ پزشکی زنان و یا بررسی نقش آن‌ها در تحولات تاریخ پزشکی به عنوان سوژه و ابژه انجام نشده است.^۲

کتابشناسی

- ارجح، اکرم و دیگران، *کتاب‌شناسی نسخ خطی پزشکی ایران*، تهران، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۱ ش.
- براون، ادوارد، *طب اسلامی*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۱ ش.
- پُستر، مارک. «نوع جدیدی از تاریخ: میشل فوکو و نظریه عدم استمرار در تاریخ»، در آر. اف. اتکینسون و دیگران، *فلسفه تاریخ، روش‌شناسی و تاریخ‌نگاری*، ترجمه حسین‌علی نودری، تهران، طرح نو، ۱۳۸۷ ش.
- توکلی، آفرین، *بهداشت و نوسازی در ایران ۱۳۳۳-۱۳۰۴ ش*، رساله دکتری، دانشگاه تهران، ۱۳۹۰ ش.
- خالقی، احمد. *قدرت، زبان، زندگی روزمره در گفتمان فلسفی-سیاسی معاصر*، تهران، گام نو، ۱۳۸۲ ش.
- سرمدی، محمدتقی، *پژوهشی در تاریخ پزشکی و درمان جهان از آغاز تا عصر حاضر*، ناشر، تهران، مؤلف، ۱۳۷۷-۱۳۸۰ ش.
- سلطانی، فرحناز، «بررسی ۶۶ عنوان از پایان‌نامه‌های دانشگاهی ایران در زمینه تاریخ پزشکی و علوم وابسته»، *پیام بهارستان*، دوره دوم، سال دوم، ویژه‌نامه تاریخ پزشکی، پاییز، ۱۳۸۹، صص ۵۵۵-۵۹۰.

۱. حاصل کوشش اینهورن و همکارانش در قالب چندین کتاب و مقاله ارائه شده است که از جمله می‌توان به این دو اثر جدی اشاره کرد:

M. C. Inhorn, *Quest for Conception, Gender, Infertility and Egyptian Medical Traditions*, Philadelphia, University of Pennsylvania Press, 1994; M. C. Inhorn and F. van Balen (eds.), *Infertility around the Globe, New Thinking on Hildlessness, Gender, and Reproductive Technologies*, Berkeley, University of California Press, 2002.

۲. از جمله این کارهای پراکنده می‌توان این دو کتاب و مقاله را نام برد:

A. Giladi, *Infants, Parents, and Wet Nurses. Medieval Islamic Views on Breastfeeding and their Social Implications*, Leiden, Brill Academic Publishers, 1999; R. L. Verma, "Women's Role in Islamic Medicine Through the Ages", *Arab Historian*, 22 (1982), pp. 21-48.

- سیریل لوید الگود، تاریخ پزشکی ایران، از دوره باستان تا سال ۱۹۳۴م، ترجمه محسن جاویدان، با مقدمه محمود نجم‌آبادی، تهران، اقبال، ۱۳۵۲ش.
- همو، طب در دوره صفویه، ترجمه محسن جاویدان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۷ش.
- شمس اردکانی، محمدرضا و دیگران، فهرستواره مشترک نسخه‌های خطی پزشکی و علوم وابسته در کتابخانه‌های ایران، تهران، سبز آرنج با همکاری دانشگاه علوم پزشکی تهران، ۱۳۸۷ش.
- همو، محمدرضا، قاسملو، فرید و دیگران، کتابنامه تاریخ پزشکی اسلامی، راه کمال با همکاری دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران: ۱۳۸۷ش.
- همو، محمدرضا، قاسملو، فرید و وطن‌پرست، علی اکبر، فهرستواره کتاب‌های چاپ سنگی پزشکی ایران، تهران، چوگان با همکاری دانشگاه علوم پزشکی تهران، ۱۳۹۰ش.
- عزیزی، محمدحسین. «نگاهی به زندگی و آثار شادروان دکتر محمدتقی میر، استاد دانشکده پزشکی شیراز» در محمود عباسی، جستارهایی در تاریخ پزشکی، تهران، مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی و دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، ۱۳۸۷، ۲۱۹/۱-۲۲۴.
- فلور، ویلم، تاریخ اجتماعی روابط سکسی در ایران، ترجمه محسن مینوخرد، استکهلم، انتشارات فردوسی، ۲۰۱۰م.
- همو، سلامت مردم در ایران قاجار، ترجمه ایرج نبی پور، بوشهر، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی-درمانی بوشهر، ۱۳۸۶ش.
- فوکو، میشل. دیرینه‌شناسی دانش، ترجمه عبدالقادر سواری، تهران، گام نو، ۱۳۸۹ش.
- قاسمی، رقیه، بهداشت و بهداری در ایران ۱۳۲۰-۱۳۰۰ش، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۸ش.
- کریمی، بهزاد، «حفظ الصحة جدید، چند نکته درباب نوسازی نظام بهداشت و سلامت عمومی در عصر پهلوی اول (۱۳۲۰-۱۳۰۴ش)»، پیام بهارستان، دوره دوم، سال دوم، ویژه‌نامه تاریخ پزشکی، پاییز، ۱۳۸۹، صص ۶۸۱-۸۸۵.
- کوهن، تامس، ساختار انقلاب‌های علمی، ترجمه احمد آرام، تهران، سروش، ۱۳۶۹ش.
- محقق، مهدی، مجموعه متون و مقالات در تاریخ و اخلاق پزشکی در اسلام و ایران، تهران، سروش، ۱۳۷۴ش.
- منزوی، احمد، فهرستواره کتاب‌های فارسی، جلد پنجم، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران، سلسله انتشارات کتابخانه، ۱۳۸۲ش.
- نجم‌آبادی، محمود، تاریخ طب ایران، تهران، چاپ هنربخش، ج اول، ۱۳۴۱ش.
- همو، تاریخ طب در ایران پس از اسلام (از ظهور اسلام تا دوران مغول)، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۶ش.

همو، فهرست کتاب‌های چاپی فارسی طبی و فنون وابسته به طب، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ش.

هاشمیان، احمد، تحولات فرهنگی ایران در دوره قاجار و مدرسه دارالفنون، تهران، مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب، ۱۳۷۹ش.

یورگنسن، ماریان و فیلیپس، لوئیز، نظریه و روش در تحلیل گفتمان، ترجمه هادی جلیلی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۹ش.

Afkhami, Amir Arsalan, *Iran in the Age of Epidemics: Nationalism and Struggle for Public Health: 1886-1926*, Yale University, 2003.

Bagley, F. R. C. Et s.v. <Elgood, Syrril Lloyd>

Bynum, W. F. and Porter Roy (eds) *Companion Encyclopedia of History of the Medicine*, London Routledge, 1996.

Conrad, Lawrence I. "A Ninth-Century Muslim Scholar's Discussion of Contagion", in Lawrence I. Conrad and Dominik Wujastyk (eds) *Contagion: Perspectives from Pre-Modern Societies*, Ashgate, UK: 2000, pp. 163-77.

Conrad, Lawrence I. "Arabic Plague Chronologies and Treatises: Social and Historical Factors in the Formation of a Literary Genre", *Studia Islamica*, 54 (1981), pp. 51-93.

Conrad, Lawrence I. "Epidemic Disease in Formal and Popular Thought in Early Islamic Society", in Terence Ranger and Paul Slack (eds) *Epidemics and Ideas: Essays on the Historical Perception of Pestilence*, Cambridge, Cambridge University Press, 1992, pp. 77-99.

Conrad, Lawrence I. "Tāun and Wabā: Conceptions of Plague and Pestilence in Early Islam", *Journal of the Economic and Social History of the Orient*, 25 (1982), pp. 268-307.

Dols, Michael W. "Insanity and its Treatment in Islamic Society", *Medical History*, 31 (1987), pp. 1-14.

Dols, Michael W. "Insanity in Byzantine and Islamic Medicine", *Symposium on Byzantine Medicine, Dumbarton Oaks Papers*, 38 (1984), pp. 136-48.

Dols, Michael W. "Leprosy in Medieval Arabic Medicine", *Journal of History of Medicine and Allied Sciences*, 34 (1979), pp. 314-33.

Dols, Michael W. "The Leper in Medieval Islamic Society", *Speculum*, 58 (1983), pp. 891-916.

Dols, Michael W. "The Origins of the Islamic Hospital: Myth and Reality", *Bulletin of the History of Medicine*, 61 (1987), pp. 367-90.

Dols, Michael W. "The Plague in Early Islamic History", *Journal of the Economic and Social History of the Orient*, 94 (1974), pp. 376-83.

Dols, Michael W. "The Second Plague Pandemic and Its Recurrences in the Middle East: 1347-1894", *Journal of the Economic and Social History of the Orient*, 22 (1979), pp. 162-89.

- Dols, Michael W. *Majnun: The Madman in Medieval Islamic Society*, Oxford, Clarendon Press, 1992.
- Dols, Michael W. *The Black Death in the Middle East*, Princeton, Princeton University Press, 1977.
- Ebrahimnejad, Hormoz, "The Waqf, The State and Medical Education in nineteenth-century Iran", in Ebrahimnejad, Hormoz (ed.) *The Development of Modern Medicine in Non-Western Countries*, London, Routledge, 2009, pp. 59-81.
- Ebrahimnejad, Hormoz, *Medicine, Public Health, and the Qajar state: patterns of medical modernization in nineteenth-century Iran*, London, Brill, 2004.
- Giladi, A. *Infants, parents, and wet nurses. Medieval Islamic views on breastfeeding and their social implications*, Leiden, Brill Academic Publishers, 1999.
- Hutton, Patrick H. "The History of Mentalities: The New Map of Cultural History", *History and Theory*, 20 (1981), pp. 237-59.
- Inhorn M. C. and Balen, F. van (eds.), *Infertility around the globe, New thinking on childlessness, gender, and reproductive technologies*, Berkeley, University of California Press, 2002.
- Inhorn, M. C. *Quest for conception, Gender, infertility and Egyptian medical traditions*, Philadelphia, University of Pennsylvania Press, 1994.
- Malti-Douglas, Fedwa "Mentalités and Marginality: Blindness and Mamlûk Civilization", in C. E. Bosworth et al. (eds) *The Islamic World from Classical to Modern Times: Essays in Honor of Bernard Lewis*, NJ: Princeton, Darwin Press, pp. 211-237.
- Meyerhof, Max and Schacht, Joseph, *The Theologus Autodidactus of Ibn al-Nafis*, Oxford, Clarendon Press, 1968.
- Meyerhof, Max, *Sarh Asma' al-Uqqar (Explication des nom de drogues): Un glossaire de matière médicale*, (explanation on names of drugs: A glossary of medical terms) Impr. Le Caire, de l'Institut français d'archéologie orientale, 1940.
- Meyerhof, Max, *The Book of the Ten Treatises on the Eye Ascribed to Hunain ibn Is-haq (809-877 A.D.)*, Cairo, Govt. Press, 1928.
- Musallam, B. F. *Sex and society in Islam, Birth control before the nineteenth century*, Cambridge, Cambridge University Press, 1983.
- Pormann, Peter E. and Savage-Smith, Emilie, *Medieval Islamic Medicine*, Edinburgh, Edinburgh University Press, 2007.
- Pormann, Peter E. "Wörterbuch zu Den Griechisch-Arabis-chen Übersetzungen", (dictionary of the Greek-Arabic translation), *Journal of Royal Asiatic Society*, 13, part 1, (2003).
- Pormann, Peter E. and Savage-Smith, Emilie. *Medieval Islamic Medicine*, Edinburgh, Edinburgh University Press, 2007.

- Porter, Roy "The Patient's View: Doing Medical History from Below", *Theory and Society*, 14 (1985), pp. 175–198.
- Risse, Guenter B. *Mending Bodies, Saving Souls*, New York, Oxford University Press, 1999.
- Rosen, George, *A History of Public Health*, New York, MD Publications, 1958.
- Rosen, George, *Madness in Society: Chapters in the Historical Sociology of Mental Illness*, Chicago, University of Chicago Press, 1968.
- Rosenthal, Franz, "The Physician in Medieval Muslim Society", *Bulletin of the History of Medicine*, 52 (1978), pp. 476–91.
- Rosenthal, Franz *The Herb: Hashish versus Medieval Muslim Society*, Leiden, Brill, 1971.
- Savage-Smith, Emilie, "Gleanings from an Arabist's Workshop: Current Trends in the Study of Medieval Islamic Science and Medicine" *Isis*, 79 (1988), p. 247.
- Schacht, Joseph and Meyerhof, Max, *The Medico-Philosophical Controversy between Ibn Butlan of Baghdad and Ibn Ridwan of Cairo: A Contribution to the History of Greek Learning among the Arabs* Cairo, [n.p.], 1937.
- Schayegh, Cyrus, *Science, Medicine and Class in the formation of semi-colonial Iran 1900s-1940*, Colombia University, 2004.
- Schayegh, Cyrus, *Who Is Knowledgeable Is Strong: Science, Class, and the Formation of Modern Iranian Society, 1900-1950*, Berkeley, University of California Press, 2009.
- Shefer-Mossonsohn, Miri, *Ottoman Medicine*, New York, State University of New York Press, 2009, 1970.
- Ullmann, Manfred, *Islamic Medicine*, translated to English by Jean Watt, Edinburgh, Edinburgh University Press, 1978.
- Verma, R. L. "Women's role in Islamic medicine through the ages", *Arab Historian*, 22 (1982), pp. 21–48.
- Ze'evi, Dror, *Producing Desire*, Berkeley, University of California Press, 2006.